

اثر بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش اعتمادی مدیران بر ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی

الهه زراعتی نوقابی^{۱*}

محمود لاری دشت بیاض^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش اعتمادی مدیران بر اظهار نظر غیرمقبول حسابرس پرداخته است. متغیر وابسته پژوهش، اظهار نظر غیرمقبول حسابرس و متغیرهای مستقل پژوهش، شامل نماینده‌های بیش ارزشیابی سهام (نسبت بهای هر سهم به سود هر سهم تأخیری و نسبت بهای هر سهم به ارزش هر سهم تأخیری) و نماینده مدیریت سود (تعهدات اختیاری) و نماینده بیش اعتمادی مدیران (بخشی از تغییرات در حجم دارایی‌ها که تحت تأثیر میزان فروش نیست) است. روش پژوهش از نوع کاربردی و روش آماری بکار رفته شامل رگرسیون لاجیستیک است. نمونه آماری پژوهش شامل ۴۴۹ سال شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی در این بازه زمانی، اظهار نظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنی‌داری با بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش اعتمادی مدیران ندارد. همچنین نوع موسسه حسابرسی و اندازه شرکت و گردش موجودی کالا بر ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی مؤثر نیست اما اظهار نظر غیرمقبول حسابرس با ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی سال پیش و با اهرم مالی رابطه مستقیم و با بازده دارایی‌ها رابطه معکوس معنی‌دار دارد.

واژگان کلیدی

اظهار نظر غیرمقبول حسابرس، بیش ارزشیابی سهام، مدیریت سود، بیش اعتمادی مدیران

^۱ دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول: eligolzn@gmail.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (m.lari@ferdowsi.um.ac.ir)

۱. مقدمه

حسابرسی را می‌توان به عنوان ابزاری اطمینان‌بخش در زمینه کیفیت صورت‌های مالی دانست که باعث می‌شود استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بر اساس آن اطلاعات تصمیمات سودمندی اتخاذ نمایند. در ایران، مانند سایر کشورها، اظهارنظر حسابرسی به صورت مقبول و تعدیل‌شده ابراز می‌شود. اظهارنظر حسابرسی تعدیل‌شده به اظهارنظر حسابرسی مقبول با بند توضیحی، اظهارنظر حسابرسی مشروط، اظهارنظر حسابرسی مردود و عدم اظهارنظر تقسیم می‌شود. بر اساس استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۰ ایران، اگر حسابرس: الف) بر اساس شواهد حسابرسی کسب‌شده به این نتیجه برسد که صورت‌های مالی عاری از تحریف بااهمیت نیست؛ یا ب) قادر به کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای نتیجه‌گیری درباره نبود تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی نباشد، باید طبق استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۵ اظهارنظر خود را در گزارش حسابرسی تعدیل کند (آقائی و بابائی، ۱۳۹۳).

فلسفه اصلی حسابرسی اعتباربخشی به اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی است؛ زیرا اطلاعات مزبور مبنای تصمیم‌گیری‌های گروه‌های مختلفی نظیر: سهامداران، سرمایه‌گذاران بالقوه، کارگزاران، مدیران، مشاوران مالی، تحلیلگران، اعتباردهندگان و دولت قرار می‌گیرد. بنابراین حسابرسی از دیدگاه کاربران مزبور به ویژه سهامداران زمانی سودمند است که حساب‌برسان در رسیدگی‌های خود به بررسی و ارزیابی برقراری تداوم فعالیت، عاری بودن صورت‌های مالی از اشتباه، تخلف و تقلب بااهمیت و اعمال غیرقانونی مؤثر بر فعالیت واحد مورد رسیدگی بپردازند و میزان موافقت خود را با رعایت موارد مزبور اعلام کنند. هرگاه میزان عدم رعایت به حد کافی مهم باشد، گزارش حسابرسی باید به صورت مشروط ارائه شود. اظهارنظر مشروط مسئولیت حساب‌برسان را نسبت به مطلوبیت ارائه برخی از اجزای اطلاعات صورت‌های مالی محدود می‌کند (امینی، محمدی و عباسی، ۱۳۹۰).

هنگامی که ارزش بازار سهام، بالاتر از ارزش واقعی آن باشد، سهام، اضافه ارزشیابی شده است. سهام بیش ارزشیابی شده^۱، بدین معنی است که شرکت قادر نخواهد بود عملکرد مورد نیاز برای توجیه ارزش بازار سهامش را (مگر با شانس) ارائه دهد. اگر شرکت بتواند ارزشش را توجیه کند، بیش ارزشیابی شده نخواهد بود (جنسن^۲، ۲۰۰۵).

درواقع زمانی که ارزشیابی‌های نادرست رو به بالاست، یعنی سهام، بیش ارزش‌گذاری^۳ می‌گردد، مدیران به علت دستیابی به منافع بسیار در بالا بودن بهای سهام، همچون دستیابی آسان به وجوه بازار سرمایه، امنیت شغلی بالاتر و ... به‌جای تصحیح بیش ارزش‌گذاری، با استفاده از تکنیک‌های مختلف به حمایت از مقادیر نادرست ارزشیابی شده، دست می‌زنند (جنسن، ۲۰۰۵).

شرکت‌های باارزش‌گذاری بالا فاقد توانایی لازم برای دستیابی به سطح عملکرد مورد انتظار متناسب با قیمت سهام آن هستند. برای همین منظور مدیران عامل با استفاده از رویه‌های حسابداری متهورانه به مدیریت سود روی می‌آورند تا این ضعف عملکرد را پوشش دهند. یکی از ابزارهای معمول مدیریت سود استفاده از ارقام تعهدی اختیاری است. مدیران عامل با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری این ضعف عملکرد مورد انتظار را پوشش می‌دهند. بنابراین، در شرکت‌های باارزش‌گذاری بالای سهام میزان ارقام تعهدی اختیاری بیشتر از سایر شرکت‌ها است (هومز، فولی و سیولا^۴، ۲۰۱۳).

¹ Over valued equity

² Jensen

³ Over valuation

⁴ Houmes, Foley & Cebula

به علت قابلیت انعطاف‌پذیری ذاتی که در برخی از استانداردهای حسابداری وجود دارد و از آنجایی که تفسیر و به‌کارگیری این رویه‌ها، در بسیاری از موارد تابع قضاوت و اعمال نظر مدیران است، این فرصت برای آن‌ها فراهم شده تا با استفاده از تکنیک‌های متنوع، از جمله دستکاری اقلام تعهدی حسابداری، به‌منظور حمایت از ارزشیابی‌های نادرست، سود را مدیریت کنند، بنابراین، سود حسابداری ممکن است عملکرد واقعی حسابداری شرکت را (که به وسیله توانایی شرکت در ایجاد جریان‌های نقدی مشخص می‌شود) منعکس ننماید و این رفتار مداخله‌گرایانه (مدیریت سود) اعتماد سرمایه‌گذاران به فرآیند گزارشگری را تقلیل داده و موجب تخصیص نادرست منابع کمیاب اقتصادی می‌گردد (احمد پور، ملکیان و کردتبار، ۱۳۸۷).

گزارش‌های مالی ارائه‌شده توسط شرکت حاصل مذاکره میان مدیران و حساب‌برسان است. در شرکت‌های با ارزش‌گذاری بالا، مدیران از رویه‌های حسابداری متهورانه برای پوشش ضعف عملکرد شرکت استفاده می‌کنند که باعث گزارش سود رو به بالا ناشی از اقلام تعهدی اختیاری می‌شود. از سوی دیگر، حساب‌برسان با کیفیت بالا با توجه به اعتبار و دعاوی حقوقی، از استفاده از این رویه‌ها و گزارش سودهای رو به بالا ناشی از اقلام تعهدی اختیاری جلوگیری می‌کنند (هومز و همکاران، ۲۰۱۳).

حساب‌برسان با کیفیت بالا، با توجه به حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای خود، افزایش مسئولیت آن‌ها در استانداردهای پذیرفته‌شده حسابرسی، ریسک دعاوی حقوقی و تجربه حرفه‌ای خود دارای مهارت و دانش کافی در شناخت ارائه نادرست اقلام صورت‌های مالی مورد رسیدگی بوده و می‌توانند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تأثیر بگذارند و در نتیجه کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را افزایش می‌دهند و استفاده از رویه‌های حسابداری در زمینه دستکاری سود توسط مدیران را کاهش می‌دهند (دیفاند و ژانگ^۵، ۲۰۱۴).

از طرفی هاو، پارک، کی و وو^۶ (۲۰۰۳) دریافته‌اند که گزارش تعدیل‌شده حسابرسی می‌تواند باعث اقدامات هزینه‌بری بر علیه شرکت نظیر تعلیق معاملات اوراق بهادار یا بالا رفتن هزینه سرمایه شرکت شود. نظریه کارگزاری، حساب‌برسان را نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذینفع در کنترل صحت، قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعاتی می‌شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود. اما به دلیل آن که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حساب‌برسان با مدیران واحد تجاری است؛ بنابراین در این نظریه فرض می‌شود که حساب‌برسان ممکن است در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده، کار خود را به درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع خود و مدیران عمل نمایند (والکر^۷، ۲۰۰۳) و یا این که عملکرد مدیران با توجه به معیارهای ارزیابی عملکرد مدیر، دیدگاه حساب‌برسان را تحت تأثیر قرار دهد و بر نوع گزارش حساب‌برسان تأثیر گذارد.

در ادبیات مالی، مدیر بیش‌اعتماد، مدیری است که به صورت سیستمی بازده‌های آتی پروژه‌های شرکت را بیش برآورد می‌کند. چنین مدیری به صورت سیستمی احتمال و اثر رویدادهای مطلوب روی جریان‌های نقدی شرکت را بیش برآورد کرده و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب را کم تخمین می‌زند (هیتون^۸، ۲۰۰۲؛ مالمندیر و تیت^۹، ۲۰۰۵). یکی از اولین

⁵ DeFond & Zhang

⁶ Haw, Park, Qi & Wu

⁷ Walker

⁸ Heaton

⁹ Malmendier & Tate

کاربردهای این مفهوم در ادبیات مالی توسط رل^{۱۰} (۱۹۸۶) مطرح شد. وی بیان می‌کند بیش‌اعتمادی مدیریت یکی از علل درگیر شدن مدیران در فرآیندهای تحصیل نامناسب و بیش پرداخت برای شرکت‌های هدف است. هیتون (۲۰۰۲) نشان داد مدیران خوش‌بین، پروژه‌ها و حقوق صاحبان سهام شرکت را بیش‌ارزش‌گذاری می‌کنند. آن‌ها پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی را به اشتباه به عنوان سرمایه‌گذاری‌های با ارزش فعلی خالص مثبت شناسایی کرده و در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. به طور خلاصه مرور ادبیات نشان می‌دهد که بیش‌اعتمادی، سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، تقسیم سود شرکت و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش‌های اخیر در حسابداری مفاهیم بیش‌اعتمادی را برای پیش‌بینی‌های سود مدیریت و گزارشگری اشتباه یا تقلب نیز آزمون کرده‌اند (رامشه و ملانظری ۱۳۹۳).

پرسش پژوهش این است آیا میان بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران و همچنین اثر متقابل دو به دو یا هر سه آن‌ها با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد؟

این پژوهش می‌تواند نقش ارزنده‌ای در کمک به نیازهای بازار، اقتصاد، حسابرسان، شرکت‌ها و به تبع آن سرمایه‌گذاران به عنوان پایه‌های اساسی تخصیص منابع و کمک به مدیران شرکت‌ها در آگاهی بخشی نسبت به نقش بیش‌ارزشیابی سهام، مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران بر اظهارنظر حسابرسان و بالتبع افزایش کارایی سازمانی و عملکرد شرکت‌ها و تخصیص بهینه تر منابع توسط سرمایه‌گذاران با توجه به دسترسی به اطلاعات صحیح تر داشته باشد.

بنابراین با توجه به اثرات مخرب بیش‌ارزشیابی سهام بر کیفیت گزارش‌های مالی و اتخاذ تصمیم‌های نادرست توسط مدیران که می‌تواند منجر به از میان رفتن ارزش بلندمدت شرکت گردد می‌خواهد بررسی شود که آیا حسابرسان، هنگامی که شرکت‌ها بیش‌ارزشیابی گردیده و در بازی مدیریت سود درگیر می‌شوند و نیز اگر مدیران بیش‌اعتماد باشند اظهارنظر غیرمقبول ارائه می‌کنند؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، افزایش سطح ناشی از داد و ستد اوراق بهادار و بهبود سبب سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است. هدف حسابرسی در چارچوب فرایند آزمون محور با تکیه بر نظریه‌های مربوط، زدودن آلودگی‌های اطلاعات است تا از طریق افزایش توان اتکای آن بستری مساعد برای استفاده از اطلاعات در راستای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد. محصول نهایی این فرایند گزارشی است که حسابرسان در آن نظر حرفه‌ای خود را در مورد مطلوب بودن صورت‌های مالی ارائه می‌کند. در چنین کاری، حسابرسان در مورد کیفیت اطلاعات ارائه‌شده برای مقاصد تصمیم‌گیری و هم چنین مناسب بودن صورت‌های مالی برای مقاصد پاسخگویی مدیریت و حاکمیت شرکتی به موکلین خود پیام حرفه‌ای می‌دهد. هدف این پیام به‌عنوان محصول نهایی فرایند حسابرسی، بهینه کردن گزارشگری مالی با افزودن اعتبار به اطلاعات گزارش‌شده است؛ اعتباری که بر مبنای شواهد به‌دست آمده و در نتیجه قابل توجیه است (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹).

با تصویب قوانین و مقررات جدید و آشنایی بیشتر با خدمات حرفه حسابرسی در سال‌های اخیر استفاده از خدمات حسابرسان افزایش چشمگیری یافته است. گروهی از استفاده‌کنندگان از خدمات حسابرسی، سرمایه‌گذاران هستند که به دنبال مدارک قابل اتکایی می‌باشند تا پرتفوی سرمایه‌گذاری خود را به استناد و اعتبار این اطلاعات و مدارک تشکیل

¹⁰ Roll

دهند. صورت‌های مالی گزارش حسابرسی شده حساب‌رسان از دسته این مدارک هستند که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته‌اند. هنگامی که حساب‌رس نسبت به اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی اظهارنظر مقبول بیان نماید، اظهارنظر وی در حقیقت به صورت‌های مالی اعتبار می‌دهد و اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی بدون تغییر باقی می‌ماند؛ یعنی اطلاعات مندرج مورد تأیید است. در صورت اظهارنظر مشروط یا عدم اظهارنظر و یا مردود حساب‌رس به‌عنوان یک متخصص مالی بی‌طرف و بی‌غرض بخشی یا تمام اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را تأیید نمی‌کند.

حساب‌رسان به‌عنوان واسطه میان صورت‌های مالی و استفاده‌کنندگان، نقش کلیدی در ارائه اطلاعات بیرونی ایفا می‌کنند. حساب‌رسی، فرآیند اطمینان‌بخشی درباره قابلیت اتکاء و مربوط بودن اطلاعات صورت‌های مالی است و اهمیت ویژه‌ای در برطرف نمودن تضاد منافع میان سهامداران و مدیران دارد. حساب‌رسی به‌عنوان یک مکانیزم کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می‌دهد که مدیران در اداره شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده‌اند یا خیر. از این رو، کار حساب‌رسی اطمینان‌بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذینفعی است که با شرکت روبه‌رو هستند (والکر، ۲۰۰۳).

نظر مقبول حساب‌رس باید در مواردی اظهار شود که حساب‌رس به این نتیجه برسد صورت‌های مالی، از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری به نحو مطلوب ارائه شده است. نظر مقبول همچنین به‌طور ضمنی بیانگر آن است که هرگونه تغییر در اصول و رویه‌های مبتنی بر استانداردهای حسابداری و آثار آن‌ها، به نحوی مناسب تعیین و در صورت‌های مالی درج و یا افشا شده است.

گزارش حساب‌رس در برخی موارد تعدیل می‌شود: موضوعاتی که بر اظهارنظر حساب‌رس اثر ندارد و موضوعاتی که بر اظهارنظر حساب‌رس اثر دارد. این موضوعات به یکی از نظرهای غیر از مقبول به شرح زیر می‌انجامد: الف. نظر مشروط، ب. عدم اظهارنظر، پ. نظر مردود.

نظر مشروط باید هنگامی اظهار شود که حساب‌رس نتیجه‌گیری می‌کند نظر مقبول نمی‌تواند اظهار شود، اما اثر هرگونه عدم توافق با مدیریت یا محدودیت در دامنه رسیدگی چنان بااهمیت و فراگیر و اساسی نیست که مستلزم اظهارنظر مردود یا عدم اظهارنظر شود. نظر مشروط باید با عبارت "به‌استثنای" آثار موضوع مورد شرط، اظهار شود. در واقع، حساب‌رس در مواردی که هر یک از شرایط زیر وجود دارد و بنا به قضاوت وی، اثر آن بر صورت‌های مالی بااهمیت است یا بتواند بااهمیت باشد، نظری غیر از نظر مقبول اظهار می‌کند: الف - محدودیت در دامنه رسیدگی که هنگامی ایجاد می‌شود حساب‌رس نتواند از طریق اعمال روش‌های حساب‌رسی لازم به شواهد کافی و قابل قبولی برای اظهارنظر دست یابد. این محدودیت ممکن است توسط صاحبکار تحمیل شود یا وضعیت‌های موجود آن را ایجاد کند، ب - ابهام اساسی، پ - عدم توافق با مدیریت درباره انطباق رویه‌های حسابداری انتخاب‌شده با استانداردهای حسابداری، شیوه‌های به‌کارگیری آن‌ها و یا کفایت افشای اطلاعات در صورت‌های مالی.

جنسن (۲۰۰۵) بیان می‌کند مدیران شرکت‌های بیش‌ارزشیابی شده، ممکن است که اقداماتی را انجام دهند تا عملکرد گزارش‌شده را متورم سازند تا از این طریق قیمت‌های بادکرده سهام را توجیه نمایند. این چنین اقداماتی شامل تحصیل^{۱۱} دیگر شرکت‌ها، توسعه^{۱۲} داخلی شرکت، تقلب^{۱۳} و مدیریت سود است. مدیران با انجام این اقدامات امیدوارند تا نتایج

^{۱۱} Acquisitions

^{۱۲} Expansions

منفی در ارتباط با حرفه و پاداش‌ها را به تأخیر بیندازند، در حالی که آن‌ها در واقع در حال خراب کردن ارزش بلند مدت شرکت هستند.

مدیران شرکت و بازارهای مالی در حال انجام دادن یک بازی شبیه بازی بودجه‌بندی هستند. درست همان طور که، اگر مدیران اهداف داخلی شرکت را از دست بدهند، پاداش آن‌ها لطمه می‌بیند، مدیران می‌دانند که اگر پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران را حتی به اندازه یک پنی از دست بدهند، بازار سرمایه، کل شرکت را مجازات خواهد کرد.

به طور معمول، تنها روش برای مدیران تا بتوانند انتظارات بازار را در دوازده ماه سال به دست بیاورند، دستکاری اعدادشان است تا عدم اطمینان‌های ذاتی در تجارتشان را بپوشانند. وقتی مدیران اعداد را دستکاری می‌کنند تا آنچه بازار می‌خواهد، بشنود (یا آنچه مدیران می‌خواهند، آن‌ها بشنوند) را بیان کنند (به جای بیان وضعیت واقعی شرکت)، مدیران در حال دروغ گفتن هستند. و وقتی تصمیمات عملیاتی، که ارزش شرکت را حداکثر می‌کنند، برای به دست آوردن انتظارات بازار به مخاطره می‌افتند، ارزش بلند مدت شرکت در حال خراب شدن است (موسوی، خلعت‌بری و وقفی، ۱۳۹۱).

وقتی مدیران، در بازی مدیریت سود در حال دروغ گفتن هستند، توقف این بازی مشکل است، زیرا به صورت آبخاری جلو می‌رود و این می‌تواند به ظاهر شدن نسبتاً سریع تقلب‌های آشکار منجر شود. تحت قوانین حسابداری، مدیران این فضا را دارند که سیاست‌های قانونی و درستی را انتخاب کنند تا گزارش‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند. این سیاست‌ها به مدیریت کردن سودهای گزارش شده و انعکاس بهتری از وضعیت اقتصادی شرکت کمک می‌کند. انتخاب سیاست‌هایی برای انتقال هزینه‌ها از حال به آینده و درآمدها از آینده به حال، بر روی هم جمع می‌شوند و بدست آوردن اهداف دوره‌های آتی را با مشکل مواجه می‌سازند و مدیران کم‌کم مجبور می‌شوند سیاست‌های متجاوزکارانه بیشتری را انتخاب کنند تا خود را در این بازی حفظ کنند، که سرانجام این سیاست‌ها می‌تواند به تقلب ختم شود. (جنسن، ۲۰۰۵)

هومز و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و ارزش‌گذاری بالای سهام، به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با ارزش‌گذاری بالا پرداختند. آن‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از چهار معیار اندازه، تخصص در صنعت، طول دوره تصدی طولانی و حسابرس متخصص در صنعت با طول دوره تصدی طولانی استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های با ارزش‌گذاری بالا ارتباط معکوس بین ارقام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد.

تسیپوریدو و اسپاتیس^{۱۴} (۲۰۱۴) نشان دادند که اظهارنظر حسابرس ارتباط معناداری با مدیریت سود ندارد. همچنین مشخصه‌های مالی شرکت صاحب‌کار، مانند سودآوری و اندازه شرکت، در تصمیم حسابرس پیرامون تعدیل گزارش خود در ارتباط با ابهام در تداوم فعالیت مؤثرتر از مدیریت سود است. به بیان دیگر، مدیریت سود نقشی در این ارتباط ندارد.

راسمانتو، دیجمیل و سلیم^{۱۵} (۲۰۱۴) به بررسی نقش مدیریت سود بر صدور اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که میان تعهدات اختیاری غیرعادی و اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرس رابطه معکوس وجود دارد. این

¹³ Fraud

¹⁴ Tsipouridou & Spathis

¹⁵ Rusmanto, Djamil & Salim

در حالی است که سایر نتایج‌شان بیانگر این است که نوع موسسه حسابرسی رابطه میان تعهدات اختیاری غیرعادی و اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرس را تحت تأثیر قرار داده و سبب می‌شود این رابطه مستقیم گردد.

اخگر^{۱۶} (۲۰۱۵) به بررسی رابطه میان اظهارنظر مشروط و مدیریت سود تعهدی و واقعی پرداخت. نتایج وی نشان داد که مدیریت سود تعهدی رابطه معنادار با اظهارنظر مشروط حسابرس دارد درحالی‌که میان مدیریت سود واقعی و اظهارنظر مشروط حسابرسی رابطه‌ای یافت نشده است. همچنین نتایج وی حاکی از آن است که متغیرهای سودآوری، اندازه شرکت، تجربه حسابرس، نوع اظهارنظر سال پیش و زیان سال پیش از عوامل تعیین‌کننده تصمیمات مربوط به اظهارنظر مشروط است.

رید و ییزگل^{۱۷} (۲۰۱۶) به بررسی رابطه میان دوره تصدی و گزارش تداوم فعالیت پرداختند. آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۱ شرکت عمومی در آمریکا میان سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۲ دریافتند که هیچ رابطه‌ای میان دوره تصدی و خطای نوع دو مربوط به عدم گزارش تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی توسط حسابرسان بزرگ نیافتند. در مقابل، آن‌ها رابطه معناداری را میان دوره تصدی و خطای نوع دو مربوط به عدم گزارش تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی توسط حسابرسان غیر بزرگ یافتند.

بنی مهد، یگانه و یزدانیان (۱۳۹۳) به بررسی رابطه میان مدیریت سود و اظهارنظر حسابرسان بخش خصوصی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت سود، اندازه شرکت، سودآوری، نسبت بدهی، حق‌الزحمه حسابرسی و مالکیت دولتی با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه معنی‌دار دارند. هم‌چنین یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که پیچیدگی شرکت، تغییر حسابرس و تغییر مدیریت با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه‌ای معنی‌دار ندارند. شواهد پژوهش بر این نکته تأکید دارند که رابطه مستقیم میان مدیریت سود و تعداد بندهای حسابرسی می‌تواند ناشی از افزایش کیفیت حسابرسی در بخش خصوصی باشد.

مرادی، اصولیان و نوروزی (۱۳۹۳) ارتباط میان مدیریت سود و اظهارنظر مشروط حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت را بررسی نمودند. در این راستا، اظهارنظر مشروط حسابرس به دو دسته تقسیم شده است. مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار و مشروط به دلیل سایر موارد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین مدیریت سود و اظهارنظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. این در حالی است که بین مدیریت سود و اظهارنظر مشروط حسابرس به دلایلی جز ابهام در تداوم فعالیت، ارتباط معناداری مشاهده نشده است. این یافته‌ها حاکی از آن است که ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، ریسک ذاتی حسابرسی را فزونی می‌بخشد و احتمال صدور گزارش مشروط را در صورت وجود مدیریت سود، افزایش می‌دهد.

وکیلی فرد، طالب نیا و صباغیان طوسی (۱۳۹۵) به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر ارقام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط پرداختند. نتایج علمی پژوهشی بیانگر آن است که در شرکت‌های با اندازه بزرگ، دوره تصدی‌گری ۵ سال حسابرس به احتمال بیشتر ارقام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهد. از طرفی به احتمال زیاد شرکت‌هایی که از حسابرس متخصص استفاده می‌نمایند تمایل کمتری به دریافت گزارش مشروط دارند.

¹⁶ Akhgar

¹⁷ Read & Yezegel

بنی‌مهد، مرادزاده‌فرد و زینالی (۱۳۹۱) به بررسی اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس پرداختند. یافته‌های پژوهش‌شان نشان می‌دهد که میان حق‌الزحمه حسابرس، اندازه صاحب‌کار، گزارش زیان توسط صاحب‌کار و سن شرکت مورد رسیدگی و صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش، حق‌الزحمه حسابرس رابطه‌ای مستقیم با صدور گزارش مقبول حسابرسی دارد. اندازه شرکت، سن شرکت و گزارش زیان رابطه‌ای معکوس با گزارش مقبول حسابرسی دارد. همچنین تغییر حسابرسی، نوع حسابرسی، مدت تصدی حسابرسی با صدور گزارش مقبول حسابرسی رابطه‌ای ندارند.

جامعی، هلشی و حاجی‌عیدی (۱۳۹۱) تأثیر عملکرد مدیریت از قبیل سودآوری، سود هر سهم، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نرخ بازده دارایی‌ها بر گزارش حسابرسی مستقل و بندهای شرط گزارش مشروط را بررسی نمودند. یافته‌های آزمون فرضیه‌ها حاکی از تأثیر معیار سود هر سهم بر گزارش حسابرسی مستقل بوده، معیار سودآوری نیز بر بند شرط ثبت سرمایه‌گذاری به روش بهای تمام‌شده به‌جای ارزش ویژه تأثیر دارد. معیارهای سود هر سهم، نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام همگی بر بند اخذ تأییدیه گزارش مشروط حسابرسی مستقل تأثیر دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان بیان داشت، بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش صدور گزارش مشروط می‌شود؛ در نتیجه معیارهای حسابداری عملکرد مدیریت اظهارنظر حسابرسی مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یک مدیر با اطمینان بیش از حد، بازده آتی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین زده یا می‌توان گفت احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند لذا انتظار می‌رود مدیران با اطمینان بیش از حد، دارای مخارج سرمایه‌ای بالاتری بوده و سرمایه‌گذاری بیش از حد در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند (فروغی و فلاح، ۱۳۹۳). همچنین مدیران به دلیل خوش‌بینی بیش از حد ممکن است جریان نقدی حاصل از پروژه‌ها را بالاتر از ارزش واقعی‌شان ارزش‌گذاری کنند. از طرف دیگر آنان اعتقاد دارند که بازار شرکت آنان را کمتر از واقع ارزش‌گذاری می‌کند و باعث می‌شود که تأمین مالی پرهزینه باشد؛ به همین دلیل در صورتی که شرکت دارای منابع داخلی باشد ممکن است مدیرانی با اعتماد به نفس بیش از حد، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری از خود نشان دهند اما در صورتی که تأمین مالی پروژه‌ها نیازمند منابع خارجی باشد ممکن است سرمایه‌گذاری کمتری صورت گیرد (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵).

مدیران بیش‌اطمینان سود مالکیت‌شان را بیش از حد تخمین می‌زنند که این امر در ادغام و تحصیل می‌تواند توضیح‌دهنده زیان‌های آتی باشد. در کنار مدیران بیش‌اعتماد، مدیران غیرمنطقی نیز وجود دارند که با عملکردشان موجب تحریف سرمایه‌گذاری شرکتی و دستیابی به سودهای خلاف انتظار می‌شوند با این وجود مدیران بیش‌اعتماد، احتمالاً بیشتر از مدیران غیرمنطقی مسئولیت تخریب ارزش شرکت را به عهده می‌گیرند (آنور و اسکات، ۲۰۱۲)^{۱۸}.

حسین‌پور (۱۳۹۶) به بررسی رابطه پیش‌بینی سود توسط مدیریت و بیش‌اعتمادی مدیریتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌ها نشان داد که میان بیش‌اعتمادی مدیریت و صحیح بودن پیش‌بینی سود توسط مدیریت شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج بررسی‌ها نشان داد که میان بیش‌اعتمادی مدیریت و اشتباه در پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه قدر میزان بیش‌اعتمادی در

شرکت بیشتر باشد، موجب افزایش در اشتباه پیش‌بینی سود می‌گردد. در نهایت این رفتار مدیریت موجب کاهش کیفیت گزارشگری سودهای پیش‌بینی شده می‌شود.

افتخاری (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بیش‌اعتمادی مدیریت با اظهارنظر و تغییر حسابرس با توجه به توانایی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌ها نشان داد که بیش‌اعتمادی مدیریت موجب کاهش گزارش مقبول شرکت می‌شود و این پدیده روانشناسی موجب تغییر حسابرس در شرکت می‌شود. همچنین نتایج حاکی از آن است که توانایی مدیریت بر رابطه میان بیش‌اعتمادی مدیریت و اظهارنظر حسابرس و تغییر حسابرس اثر معناداری دارد. این نتایج نشان داد که مدیران به دلیل دسترسی به اطلاعات و با توجه به فیلترهای انگیزشی می‌توانند بر آوردها و قضاوت‌های بهتری را انجام دهند و موجب تغییر ارزش شرکت شوند.

اسلامی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. به منظور انجام آن چهار فرضیه اصلی در نظر گرفته شد. به طور کلی نتایج حاکی از این بود که میان بیش‌اعتمادی مدیریت و نوع موسسه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. اما میان بیش‌اعتمادی مدیریت و نوع گزارش حسابرسان رابطه معناداری وجود نداشته، همچنین نتایج نشان داد که میان بیش‌اعتمادی مدیریت با تداوم حسابرس و حق‌الزحمه حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

جعفرنژاد (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر عملکرد مالی و اقتصادی و بازده غیرعادی سهام پرداخت. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۵۳۰ سال شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ پرداخته شد. نتایج نشان داد که میان بیش‌اعتمادی مدیریت و عملکرد مالی و اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد اما رابطه میان بیش‌اعتمادی مدیریت و بازده غیرعادی سهام معنادار نیست.

نادعلی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر تغییر نگرش مدیریت از اعتماد بیش از حد به مدیریت منطقی بر بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج به دست آمده در خصوص تاثیرگذاری تغییر نگرش مدیریت نشان داد که با تغییر نگرش مدیریت از اعتماد بیش از حد به مدیریت منطقی، بر خلاف انتظار، در شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالا، افزایش بازده عادی و نیز بازده غیرعادی سهام وجود داشته است. نتایج به دست آمده همچنین نشان داد که با تغییر نگرش به مدیریت منطقی، در شرکت‌های با فرصت‌های رشد پایین، بر میزان بازده عادی سهام به شکل معناداری افزوده شده است.

علی زاده (۱۳۹۴) به بررسی رابطه میان اعتماد بیش از حد مدیریت و بازده غیرعادی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. در این راستا تأثیر اندازه شرکت، اهرم مالی و عمر شرکت نیز کنترل شده است. به طور کلی خلاصه نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که اعتماد بیش از حد مدیریت با بازده غیرعادی سهام، دارای رابطه منفی معناداری است.

بنابراین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تبیین گردید:

فرضیه اول: میان بیش‌ارزشیابی سهام با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: میان مدیریت سود با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: میان بیش‌اعتمادی مدیران با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بیش‌ارزشیابی سهام، بر رابطه میان مدیریت سود با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: بیش‌ارزشیابی سهام، بر رابطه میان بیش‌اعتمادی مدیران با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی تأثیر دارد.
فرضیه ششم: میان اثر متقابل مدیریت سود با بیش‌اعتمادی مدیران و اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی رابطه آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم: بیش‌ارزشیابی سهام، بر رابطه میان مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی تأثیر دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از دیدگاه فرآیند اجرا (نوع داده‌ها) یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی است چون می‌تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد. از دیدگاه هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی) در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری و بر پایه اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌ها است. این پژوهش از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از دیدگاه بعد زمانی یک پژوهش طولی (پس‌رویدادی) است. این پژوهش از لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری داده‌ها سندکاوی است و در گردآوری آن‌ها از نرم افزار رهاورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مربوط به بورس اوراق بهادار استفاده شده است. روش تحلیل داده‌ها توصیفی و استنباطی است و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار استاتا و رگرسیون چندمتغیره خطی لاجیستیک استفاده شده است. نمونه آماری این پژوهش بخشی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۹۹-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد که حائز شرایط زیر است: پیش از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد، دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد، در سال‌های مالی مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشد، داده‌های مورد نظر در دسترس باشد، به منظور برخورداری نتایج از اعتبار کافی، سهام شرکت در سال‌های دوره پژوهش، مورد معامله قرار گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه در مورد سهام یادشده اتفاق نیفتاده باشد و شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی که افشاهای مالی و ساختارهای اصول راهبری آن‌ها فرق می‌کند نباشد. بعد از در نظر گرفتن موارد بیان‌شده تعداد ۴۴۹ سال شرکت انتخاب شد. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، از الگوی رگرسیونی زیر استفاده گردیده است:

$$NAAO_{it} = \beta_0 + \beta_1 Ov_{it} + \beta_2 EM_{it} + \beta_3 Overconf_{it} + \beta_4 Ov_{it} * EM_{it} + \beta_5 Ov_{it} * Overconf_{it} + \beta_6 EM_{it} * Overconf_{it} + \beta_7 Ov_{it} * EM_{it} * Overconf_{it} + \beta_8 Big_{it} + \beta_9 Size_{it} + \beta_{10} NAAO_{it-1} + \beta_{11} Lev_{it} + \beta_{12} Inventory\ Turnover_{it} + \beta_{13} ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$NAAO_{it}$: اظهارنظر غیرمقبول حسابرس برای شرکت i برای سال t

Ov_{it} : بیش‌ارزشیابی سهام شرکت i برای سال t

EM_{it} : مدیریت سود شرکت i برای سال t

$Overconf_{it}$: بیش‌اعتمادی مدیران شرکت i برای سال t

$Ov_{it} * EM_{it}$: اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود

$Ov_{it} * Overconf_{it}$: اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و بیش‌اعتمادی

$Ov_{it} * EM_{it} * Overconf_{it}$: اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی

Big_{it} : نوع موسسه حسابرسی شرکت i برای سال t

$Size_{it}$: اندازه شرکت i برای سال t

$NAAO_{it-1}$: اظهارنظر غیرمقبول حسابرسان برای شرکت i برای سال $t-1$

Lev_{it} : اهرم مالی شرکت i برای سال t

$Inventory\ Turnover_{it}$: گردش موجودی کالا شرکت i برای سال t

ROA_{it} : نرخ بازده دارایی‌های شرکت i برای سال t

$\beta_0, \beta_1, \beta_2, \dots, \beta_{13}, \beta_{14}$: ضرایب مدل

ε_{it} : خطای مدل

۱-۳. متغیرهای پژوهش و روش اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش اظهارنظر غیرمقبول حسابرسان است. برای اندازه‌گیری آن از یک متغیر دوجبهی استفاده می‌شود. بدین صورت که اگر حسابرسان اظهارنظر غیرمقبول ارائه کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل پژوهش سه معیار بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران است.

آ) بیش‌ارزشیابی سهام

به منظور اندازه‌گیری بیش‌ارزشیابی سهام، از دو متغیر مجازی نسبت بهای هر سهم به سود هر سهم تأخیری و نسبت بهای هر سهم به ارزش هر سهم تأخیری، به عنوان نماینده‌های بیش‌ارزشیابی سهام استفاده می‌شود.

معیار اول بیش‌ارزشیابی سهام: نسبت بهای هر سهم به سود هر سهم تأخیری

از تقسیم ساده قیمت روز هر سهم به سود هر سهم ابتدای سال بدست می‌آید و نشان می‌دهد که قیمت هر سهم چند برابر سود هر سهم است؛ از سوی دیگر این نسبت خلاصه‌ای از ارزیابی بازار در خصوص شرکت را ارائه می‌دهد.

$$\frac{PPS_{it}}{EPS_{it-1}} \quad (2)$$

کلیه مشاهدات سال-شرکت بر مبنای این نسبت به ۴ گروه تقسیم می‌شوند. متغیر مجازی اضافه ارزشیابی ($D1_{it}$) برای مشاهدات در بالاترین گروه عدد ۱ و برای سایر مشاهدات مقدار صفر می‌پذیرد.

معیار دوم بیش‌ارزشیابی سهام: نسبت بهای هر سهم به ارزش دفتری هر سهم تأخیری

از تقسیم قیمت روز هر سهم به ارزش دفتری هر سهم به دست می‌آید و نشان می‌دهد که قیمت هر سهم چند برابر حقوق صاحبان سهام است. از سوی دیگر این نسبت معیاری از ارزش ایجادشده برای سهامداران در خصوص شرکت را ارائه می‌دهد.

$$\frac{PPS_{it}}{Book\ Value_{it-1}} \quad (3)$$

کلیه مشاهدات سال-شرکت بر مبنای این نسبت به ۴ گروه تقسیم می‌شوند. متغیر مجازی اضافه ارزشیابی ($D2_{it}$) برای مشاهدات در بالاترین گروه عدد ۱ و برای سایر مشاهدات مقدار صفر را می‌پذیرد.

در این پژوهش بر پایه هر کدام از این دو معیار که بیش‌ارزشیابی انجام گرفته باشد متغیر دو ارزشی بیش‌ارزشیابی مقدار یک در غیر این صورت مقدار صفر را می‌پذیرد یعنی:

اگر متغیر مجازی بر پایه هر کدام از دو معیار یک باشد بیش‌ارزشیابی مقدار یک را می‌پذیرد.

$$Ov_{it} = 1 \text{ if } D1_{it} + D2_{it} \geq 1$$

اگر متغیرهای مجازی بر پایه هر دو معیار صفر باشند بیش ارزشیابی مقدار صفر را می‌پذیرد.

$$Ov_{it}=0 \text{ if } D1_{it}+D2_{it}=0$$

اگر متغیر مجازی بر پایه اولین معیار مفقود باشد مقدار دومی را هر چه باشد می‌پذیرد.

$$Ov_{it}=D2_{it} \text{ if } D1_{it}=.$$

اگر متغیر مجازی بر پایه دومین معیار مفقود باشد مقدار اولی را هر چه باشد می‌پذیرد.

$$Ov_{it}=D1_{it} \text{ if } D2_{it}=.$$

ب) مدیریت سود

یکی از رایج‌ترین معیارهای استفاده‌شده در ادبیات برای سنجش دستکاری‌های سود مقدار تعهدات اختیاری است که نماینده‌ای برای مدیریت سود است در این پژوهش برای اندازه‌گیری تعهدات اختیاری، از مدل معروف به عملکرد ارائه‌شده توسط کوتاری، لئون و ویزلی^{۱۹} (۲۰۰۵) استفاده می‌شود.

این مدل برگرفته از مدل تعدیل‌شده جونز توسط دیچو، اسلون و سوینی^{۲۰} (۱۹۹۵) فرض می‌کند که تغییرات در درآمدهای فروش منهای تغییرات در حساب‌ها و اسناد دریافتی یعنی تغییرات در درآمدهای فروش نقدی و نیز جمع دارایی‌های ثابت ناخالص مستقل از اختیارات مدیریتی است بنابراین مقادیر خطای مدل بیانگر اقلام تعهدی اختیاری/ مدیریت سود است متغیر بازده دارایی‌ها (ROA_{it}) به باور کوتاری و همکاران با کنترل عملکرد مالی شرکت‌ها، کارایی مدل تعدیل‌شده جونز را افزایش می‌دهد.

$$\frac{TACC_{it}}{Assets_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Assets_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

$TACC_{it}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در پایان سال t

ΔREV_{it} : تغییر در درآمدهای فروش شرکت i در سال t

ΔREC_{it} : تغییر در حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری شرکت i در سال t

PPE_{it} : ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در پایان سال t

$Assets_{it-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در پایان سال $t-1$

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

$\beta_0, \beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4$: ضرایب مدل کوتاری و همکاران

ε_{it} : خطای مدل که بیان‌کننده مقدار مدیریت سود است.

مدل (۴) در سطح هر صنعت و برای هر سال جداگانه برآورد می‌شود. مقادیر منفی جمله خطای مدل بیانگر مدیریت سود از نوع حداقل‌سازی سود و مقادیر مثبت جمله خطای مدل بیانگر مدیریت سود از نوع حداکثرسازی سود و قدرمطلق جمله خطای مدل بیانگر مدیریت سود بدون توجه به نوع آن است که در این پژوهش ملاک قرار گرفته است؛

¹⁹ Kothari, Leone and Wasley

²⁰ Dechow, Sloan & Sweeney

چنانچه تغییرات مقادیر خطای مدل در یک دوره زمانی در دو سوی خط رگرسیون تقریباً مشابه و توزیع آنها نرمال باشد مدیریت سود در آن دوره از نوع هموارسازی سود است.

پ) بیش‌اعتمادی مدیران

افزایش در حجم دارایی‌ها بدون تأثیر بر میزان فروش بیانگر اعتماد بیش از حد مدیران است. بیش‌اعتمادی مدیران با برآورد مدل زیر اندازه گرفته می‌شود:

$$\frac{\Delta Assets_{it}}{Assets_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{\Delta Sales_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$\Delta Assets_{it}$: تغییر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t

$\Delta Sales_{it}$: تغییر کل درآمدهای فروش شرکت i در پایان سال t است

$Assets_{it-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در پایان سال $t-1$

ε_{it} : خطای مدل که بیان‌کننده مقدار برآوردی بیش‌اعتمادی مدیران است.

مدل (5) در سطح هر صنعت و برای هر سال جداگانه برآورد می‌شود.

متغیرهای کنترل

نوع موسسه حسابرسی

نماینده نوع موسسه حسابرسی در مدل، یک متغیر مجازی شامل عدد یک برای شرکت‌هایی که حسابرس آنها سازمان حسابرسی و در غیر این صورت عدد صفر است.

اندازه شرکت

اندازه شرکت با لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$$Size_{it} = \ln(Assets_{it-1}) \quad (6)$$

وجود یا عدم وجود گزارش غیرمقبول سال قبل

گزارش غیرمقبول سال قبل متغیری مجازی است که اگر گزارش غیرمقبول در سال قبل وجود داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

اهرم مالی

اهرم مالی با تقسیم کل بدهی به کل دارایی‌های واحد اقتصادی به دست می‌آید.

$$Lev_{it} = \frac{Liability_{it}}{Assets_{it-1}} \quad (7)$$

گردش موجودی

گردش موجودی کالا با تقسیم فروش خالص بر موجودی کالای پایان دوره به دست می‌آید. دفعات گردش کالا بیانگر این مطلب است که هر چند روز یک‌بار انبار کالای شرکت پر و خالی می‌شود.

$$InventoryTurnover_{it} = \frac{Sales_{it}}{Inventory_{it}} \quad (8)$$

بازده دارایی‌ها

بازده دارایی‌ها با تقسیم سود خالص به جمع کل دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

$$AAA_{it} = \frac{Net\ Income_{it}}{Assets_{it-1}}$$

(۹)

۴. یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است که بیانگر آماره‌های توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
اظهارنظر غیرمقبول حسابرس	۴۴۹	۰/۵۹۲۴۷۶	۰/۴۹۱۹۳۱	۰	۱
بیش ارزشیابی سهام	۴۴۹	۰/۴۲۹۸۴۴۱	۰/۴۹۵۶۰۵۹	۰	۱
مدیریت سود	۴۴۹	۰/۰۵۰۷۹۱۱	۰/۰۴۹۲۵۲۹	۰/۰۰۰۲۸۴	۰/۲۳۲۰۳۲۹
بیش اعتمادی مدیران	۴۴۹	۰/۰۰۱۶۳۱۴	۰/۱۶۸۴۳۱۸	-۰/۳۹۶۷۱۱۴	۰/۶۴۱۲۷۹۴
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود	۴۴۹	۰/۰۲۱۵۳۹۲	۰/۰۴۱۲۲۷	۰	۰/۲۱۵۲۸۷۵
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و بیش اعتمادی مدیران	۴۴۹	۰/۰۰۴۹۶۲۶	۰/۱۰۵۴۶۵۴	-۰/۳۹۶۷۱۱۴	۰/۴۳۷۰۸۳۵
اثر متقابل مدیریت سود و بیش اعتمادی مدیران	۴۴۹	-۰/۰۰۰۹۱۱	۰/۰۱۲۷۶۶۱	-۰/۰۵۳۸۰۸۱	۰/۰۴۹۳۴۵۹
اثر متقابل بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش اعتمادی مدیران	۴۴۹	۰/۰۰۰۵۷۰۷	۰/۰۰۷۷۲۵۱	-۰/۰۲۱۲۹۷۷	۰/۰۴۶۰۲۲۷
نوع موسسه حسابرسی	۴۴۹	۰/۳۲۷۳۹۴۲	۰/۴۶۹۷۸۵۹	۰	۱
اندازه شرکت	۴۴۹	۱۳/۶۹۴۱۶	۱/۵۹۰۳۹۹	۱۰/۸۱۴۶	۱۸/۱۱۱۵۳
وجود یا عدم وجود گزارش غیرمقبول سال قبل	۴۴۹	۰/۵۱۶۷۰۳۸	۰/۵۰۰۲۷۸۳	۰	۱
اهرم مالی	۴۴۹	۰/۷۱۴۹۹۷۶	۰/۲۹۱۵۴۳۵	۰/۱۸۲۴۶۵۵	۱/۹۸۴۵۰۴
گردش موجودی کالا	۴۴۹	۴/۷۸۰۷۱۲	۴/۳۵۰۲۳۹	۰/۴۰۹۷۱۸۹	۲۶/۶۳۱۶۹
نرخ بازده دارایی‌ها	۴۴۹	۰/۱۳۹۱۶۳۱	۰/۱۶۷۴۲۷۹	-۰/۲۰۱۱۴۴۵	۰/۸۱۹۳۳

میانگین گزارش غیرمقبول حسابرسی تقریباً ۰/۵۹ است. یعنی به طور متوسط حدود ۵۹ درصد مشاهدات در گزارش حسابرسی شان اظهارنظر غیرمقبول ارائه کرده‌اند. میانگین بیش ارزشیابی سهام برای نمونه مورد مطالعه نزدیک ۰/۴۳ است که بیانگر آن است که حدود ۴۳ درصد مشاهدات بیش ارزشگذاری سهام داشته‌اند. میانگین نوع موسسه حسابرسی ۰/۳۳ است که نشان می‌دهد سازمان حسابرسی به طور متوسط ۳۳ درصد موارد حسابرسی‌ها را انجام داده است. میانگین شاخص اهرم مالی نیز تقریباً ۰/۷۲ است. یعنی به طور میانگین بدهی‌ها معادل ۷۲ درصد دارایی‌های مشاهدات است. میانگین گردش موجودی کالا نزدیک ۴/۸ است که نشان می‌دهد مشاهدات به طور متوسط فروشی معادل ۴/۸ برابر موجودی پایان دوره خود داشته‌اند. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها تقریباً ۰/۱۴ است. که نشان می‌دهد که به طور متوسط مشاهدات بازدهی معادل ۰/۱۴ ریال به ازای یک ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها کسب نموده‌اند.

در ادامه نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد:

تحلیل نتایج مدل

نتایج برآورد ضرایب مدل و آزمون معنی‌داری آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج برآورد ضرایب مدل و آزمون معنی‌داری آن‌ها

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره آزمون	p-مقدار
بیش‌ارزشیابی سهام	۰/۳۰۲۳۸۹۸	۰/۴۹۳۱۲۱۷	۰/۶۱	۰/۵۴۰
مدیریت سود	۳/۰۶۰۸۹۷	۴/۹۱۳۹۰۷	۰/۶۲	۰/۵۳۳
بیش‌اعتمادی مدیران	-۲/۵۳۰۱۲۳	۲/۰۴۳۳۹۷	-۱/۲۴	۰/۲۱۶
اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود	۰/۶۷۶۳۲۳	۶/۶۲۸۷۴۴	-۰/۸۶	۰/۳۹۲
اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و بیش‌اعتمادی مدیران	-۰/۰۶۰۸۵۹۹	۲/۹۶۱۱۵۱	-۰/۰۲	۰/۹۸۴
اثر متقابل مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران	۱۶/۴۶۵۸۸	۲۶/۶۱۶۲۶	۰/۶۲	۰/۵۳۶
اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران	۲۵/۴۹۳۲۶	۴۳/۱۶۳۰۷	۰/۵۹	۰/۵۵۵
نوع موسسه حسابرسی	-۰/۵۵۳۲۵۲۹	۰/۴۹۲۸۰۷	-۱/۱۲	۰/۲۶۲
اندازه شرکت	-۰/۰۱۲۲۳۲۲	۰/۱۶۷۰۳۳۴	-۰/۰۷	۰/۹۴۲
گزارش غیرمقبول سال قبل	۱/۱۱۰۹۳۸	۰/۳۲۴۴۳۲۶	۳/۴۲	۰/۰۰۱
اهرم مالی	۱/۵۵۳۱۶۲	۰/۸۱۴۳۴۲۵	۱/۹۱	۰/۰۵۶
گردش موجودی کالا	-۰/۰۴۵۰۹۴۵	۰/۰۵۴۴۶۱۸	-۰/۸۳	۰/۴۰۸
بازده دارایی‌ها	-۳/۳۰۶۳۳۲	۱/۴۱۷۰۲	-۲/۳۳	۰/۰۲۰
عرض از مبدأ	-۰/۰۰۶۱۳۶۴	۲/۳۰۵۷۸۳	-۰/۰۰	۰/۹۹۸
نسبت راستنمایی	p-مقدار	آماره کای دو		p-مقدار
	۰/۰۰۰	۳۵/۱۸		۰/۰۰۰۸

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود معنی‌داری نسبت راستنمایی در سطح ۱٪ نشان می‌دهد که الگوی برآورد شده به طور کلی معنی‌دار است و می‌توان به نتایج حاصل از مدل اطمینان داشت. در ادامه به بررسی و تحلیل نتایج فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

آزمون فرضیه‌ها

برای بررسی معنی‌دار بودن ضرایب متغیرهای توضیحی در مدل لاجیستیک از آماره Z به جای t استفاده می‌شود. همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری ضریب متغیر بیش‌ارزشیابی سهام برابر با ۰/۵۴۰ و مدیریت سود ۰/۵۳۳ و بیش‌اعتمادی مدیران ۰/۲۱۶ و اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود ۰/۳۹۲ و اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و بیش‌اعتمادی مدیران ۰/۹۸۴ و اثر متقابل مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران ۰/۵۳۶ و اثر متقابل بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران ۰/۵۵۵ است که بیشتر از ۰/۰۵ بوده بنابراین ضرایب این متغیرها در سطح ۵٪ معنی‌دار نیست پس بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران و همچنین اثر هم‌زمان آن‌ها نمی‌تواند بر ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی مؤثر باشد. بنابراین فرضیه‌های پژوهش رد می‌شود.

همان گونه که در جدول ۲ دیده می‌شود ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی با ارائه گزارش غیرمقبول سال قبل در سطح ۱٪ (معنی داری قوی) و با اهرم مالی در سطح ۱۰٪ (معنی داری ضعیف) به طور مستقیم و با بازده دارایی‌ها در سطح ۵٪ (معنی داری متوسط) به طور معکوس رابطه معنی داری دارد. نیز دیده می‌شود که نوع موسسه حسابرسی و اندازه شرکت و گردش موجودی کالا بر ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی مؤثر نیست.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران و همچنین اثر هم‌زمان آن‌ها نمی‌تواند بر ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی مؤثر باشد.

نتایج سازگار با این دیدگاه والکر (۲۰۰۳) است که می‌گوید: "گزارش تعدیل شده حسابرسی می‌تواند باعث اقدامات هزینه‌بری بر علیه شرکت نظیر تعلیق معاملات اوراق بهادار یا بالا رفتن هزینه سرمایه شرکت شود. نظریه کارگزاری، حسابرس را نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذینفع در کنترل صحت، قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعاتی می‌شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود. اما به دلیل آن که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حسابرس با مدیران واحد تجاری است؛ بنابراین در این نظریه فرض می‌شود که حسابرسان ممکن است در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده، کار خود را به درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع خود و مدیران عمل نمایند".

یا این که عملکرد مدیران با توجه به معیارهای ارزیابی عملکرد مدیر، دیدگاه حسابرس را تحت تأثیر قرار داده و بر نوع گزارش حسابرس تأثیر گذاشته است.

و یا این که حسابرسان نتوانسته‌اند با افزایش کیفیت حسابرسی، بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و با تعدیل اظهارنظرشان مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

نتایج حاصل از فرضیه دوم با نتایج پژوهش تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) همخوانی و با نتایج پژوهش‌های راسمانتو و همکاران (۲۰۱۴)، اخگر (۲۰۱۵)، بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۳) و مرادی و همکاران (۱۳۹۳) که نشان می‌دهند مدیریت سود بر اظهارنظر حسابرسان مؤثر است، همخوانی ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهش با شرکت‌های بیشتری در سطح هر صنعت و برای دوره زمانی درازتری تکرار شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی با ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی سال پیش رابطه مستقیم معنی داری دارد. این نشان می‌دهد که مدیران برای رفع اشکالاتی که منجر به اظهارنظر غیرمقبول سال پیش شده اقداماتی انجام نداده و یا اقدامات انجام شده کافی نبوده است. بنابراین تغییر در مدیریت به عنوان یکی از راه‌حل‌ها برای رفع بخشی از اشکالات پیشنهاد می‌شود.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی با اهرم مالی رابطه مستقیم معنی داری دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مدیران شرکت‌ها توجه ویژه‌ای به کاهش نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها داشته باشند.

نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی با بازده دارایی‌ها رابطه معکوس معنی داری دارد پس هر چه سودآوری افزایش یابد احتمال اظهارنظر غیرمقبول کاهش می‌یابد.

از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت نوع موسسه حسابرسی و اندازه شرکت و گردش موجودی کالا بر ارائه گزارش غیرمقبول حسابرسی مؤثر نیست.

۶. منابع و مآخذ

۱. احمدپور، احمد؛ ملکیان، اسفندیار و حسین کردتبار (۱۳۸۷) بررسی تأثیر مدیران غیر موظف و سرمایه‌گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود (مدیریت سود مبتنی بر مدل آستانه). جزوه درس مسائل جاری در حسابداری به اهتمام دکتر اسفندیار ملکیان.
۲. اسلامی، اکرم‌السادات. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بیش‌اعتمادی مدیریت و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، مؤسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر.
۳. افتخاری، محمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بیش‌اعتمادی مدیریت با اظهارنظر و تغییر حسابرس با توجه به توانایی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۴. آقایی، محمدعلی و بابائی، ساسان. (۱۳۹۳). رابطه میان تعدیل اظهارنظر حسابرس و زمان‌بندی افشای اطلاعات. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، ۲۹-۱.
۵. امینی، پیمان؛ محمدی، کامران و عباسی، شعیب. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر صدور گزارش مشروط حسابرسی: کاربرد روش شبکه عصبی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال چهارم، شماره ۱۱، ۳۹-۲۵.
۶. بنی‌مهد، بهمن؛ حساس یگانه، یحیی و یزدانین، نرگس. (۱۳۹۳). مدیریت سود و اظهارنظر حسابرس شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی. *حسابداری مدیریت*، سال هفتم، شماره ۲۱، ۳۲-۱۷.
۷. بنی‌مهد، بهمن؛ مرادزاده فرد، مهدی و زینالی، مهدی. (۱۳۹۱). اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس. *حسابداری مدیریت*، سال پنجم، شماره ۱۵: ۴۱-۵۴.
۸. جامعی، رضا؛ هلشی، مهران و حاجی عیدی، عبدالله. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر عملکرد مدیران بر اظهارنظر حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۴، ۱۴-۱.
۹. جعفرنژاد، زهره. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میان اعتماد به نفس کاذب مدیر و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۱۰. حسین‌پور، حسن. (۱۳۹۶). بررسی رابطه پیش‌بینی سود توسط مدیریت و بیش‌اعتمادی مدیریتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۱۱. رامشه، منیژه و ملانظری، مهناز. (۱۳۹۳). بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری. *مجله دانش حسابداری*، سال پنجم، شماره ۱۶، ۷۹-۵۵.

۱۲. علی زاده، ابوذر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه میان اطمینان بیش از حد مدیریت و بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۱۳. فروغی، داریوش و نخبه فلاح، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۱، شماره پیاپی (۱۹)، ۴۴-۲۷.
۱۴. مرادی، محمد؛ اصولیان، محمد و نوروزی، محمد. (۱۳۹۳). اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۳، ۳۲۸-۳۱۳.
۱۵. موسوی شیری، محمود؛ خلعت‌بری، حسن و وقفی، سیدحسام. (۱۳۹۱). اثر بیش‌ارزشیابی سهام بر مدیریت سود. مجله دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۹، ۱۶۶-۱۴۳.
۱۶. نادعلی، داوود. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییر نگرش مدیریت از اطمینان بیش از حد به مدیریت منطقی بر بازده سهام شرکت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۱۷. وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله و صباغیان طوسی، امید. (۱۳۹۵). اثر کیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۹۷-۱۲۴.
18. Akhgar, M. O. (2015). Qualified Audit Opinion, Accounting Earnings Management and Real Earnings Management: Evidence from Iran. *Asian Economic and Financial Review*, 5(1), 46-57.
19. Anwer, S. A., & Scote, D. (2012). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism, Mays Business School, number 77.
20. Dechow, P., Sloan, R., & Sweeney A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70, 193-225.
21. DeFond, M., & Zhang J. (2014) A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58, 275-326.
22. Haw, G., Park, K., Qi, D., & Wu, W. (2003). Audit Qualification and Timing of Earnings Announcements, Evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2), 121-146.
23. Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31 (2), 33-45.
24. Houmes, R. E., Foley, M., & Cebula, R. (2013). Audit quality and overvalued equity. *Accounting Research Journal*, 26(1), 56-74.
25. Jensen, M. (2005). Agency costs of overvalued equity. *Financial Management*, 34, 5-19.
26. Kothari, S. P., Leone A. J., & Wasley C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 165-197.
27. Malmendier, U., & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *European Financial Management*, 11 (5), 649-659.
28. Read, W.J., & Yezegel, A. (2016). Auditor Tenure and Going Concern Opinions for Bankrupt Clients, Additional Evidence, *AUDITING, A Journal of Practice & Theory*, 35(1), 163-179.

29. ROLL, R. (1986). The Hubris Hypothesis of Corporate Takeovers. *The Journal of Business*, 59, 197-216.
30. Rusmanto, T., Djamil, A. B., & Salim, Y. (2014). The Effect of Earnings Management to Issuance of Audit Qualification, Evidence from Indonesia. *Journal of Business Studies Quarterly*, 2014, 6(1), 1-28.
31. Tsipouridou, M., & Spathis, Ch. (2014). Audit opinion and earnings management: Evidence from Greece. *Accounting Forum*, 38(1), 38-54.
32. Walker, M. (2003). Principal/agency theory when some agents are trustworthy. *Accounting and Finance Working Paper*, Manchester, Manchester Business School, Manchester University.



The Impact of Stock Overvaluation and Earnings Management and Overconfidence of Management on the Presentation of Unacceptable Audit Report

Elaheh Zeraati Noughabi ^{* 1}
Mahmood Lari Dashtbayaz ²

Date of Receipt: 2022/01/27 Date of Issue: 2022/02/20

Abstract

This study investigates the impact of stock overvaluation and earnings management and overconfidence of management on the auditor's unacceptable opinion. The dependent variable of the study is auditor's unacceptable opinion and independent variables of the study, including the proxies of stock overvaluation (ratio of price per share to profit of delayed share and the ratio of price per share to value of delayed share) and proxy of earnings management (discretionary accruals) and proxy of overconfidence of management (part of changes in the volume of assets that are not affected by sales). This is an applied study and the statistical procedure includes logistic regression. The statistical sample of the study includes 449 companies-years of companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2014 to 2020. The results of testing the study hypotheses show that in the companies surveyed in this period, the auditor's unacceptable opinion has no significant relationship with stock overvaluation and earnings management and overconfidence of management. Also, the kind of audit firm and the size of the company and the inventory turnover are not effective in presentation an unacceptable audit report, but the auditor's unacceptable opinion has significant direct relationship with the presentation of last year's unacceptable audit report and financial leverage and a significant inverse relationship with return on assets.

Keyword

Auditor's unacceptable opinion, Stock overvaluation, Earnings management, Overconfidence of management

1. PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran (*Corresponding Author: eligolzn@gmail.com).

2. Associate Professor, Department of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad (FUM), Mashhad, Iran (m.lari@ferdowsi.um.ac.ir).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی